

نام و نام خانوادگی: .....  
 مقطع و رشته: یازدهم انسانی  
 نام پدر: .....  
 شماره داوطلب: .....  
 تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران  
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۱۲ تهران  
 دبیرستان غیردولتی پسرانه سرای دانش واحد حافظ  
 آزمون پایان ترم نوبت دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰

نام درس: فلسفه ۱  
 نام دبیر: محسن میرزازاده  
 تاریخ امتحان: ۰۸ / ۰۳ / ۱۴۰۰  
 ساعت امتحان: ۰۸ : ۳۰ صبح / عصر  
 مدت امتحان: ۷۵ دقیقه

محل مهر و امضاء مدیر		نمره به عدد:	نمره به حروف:
		نام دبیر:	تاریخ و امضاء:
ردیف	سؤالات	نمره به عدد:	نمره به حروف:
۱	آزمون پایان ترم به دو شکل برگزار می شود: کتبی و شفاهی (واتسپ). این امر برای ارزیابی مناسب شما در دوران کرونا است. سوالات کتبی در زیر آمده است. این سوالات تحلیلی هستند و هدف ارزیابی سواد تحلیلی شما است. قرار نیست پاسختان شبیه یکدیگر باشد. در واقع سوالات طرح شده باز هستند. هر یک از شما با توجه به نگاه خود می تواند پاسخ دهد. البته پاسختان باید مبتنی بر سواد حاصل در کلاس درس باشد. سوالات شفاهی به مدت ۱۵ دقیقه از طریق واتسپ مطرح می شود. تمرکز آن سوالات بر روی مطالب حفظی کتاب و جزوه است. در نتیجه حتما تاریخ وقایع، مطالب کتاب و ... را به خوبی بخوانید و بیاموزید. در این صورت است که در خاطرتان می ماند. <b>اخطار:</b> ۱- پاسخ سوالات را با خودکار بنویسید و از آن عکس بگیرید. ۲- در صورتی که دو پاسخ اندکی شبیه هم باشند برای هر دو دانش آموز آن سوال صفر منظور می شود. ۳- با هماهنگی به عمل آمده با مسئولین محترم دبیرستان، وقت پاسخگویی تا ساعت ۱۷ روز امتحان است. دیرتر از آن به هیچ عنوان قابل قبول نیست. ۴- بیایید با هم صادق باشیم. قلم (شیوه نگارش) و توانایی علمی شما برای بنده کاملا محرز است. پس به هیچ وجه از دست غیب استمداد نطلبید. برای یکایک شما سرافرازی آرزومندم.		
۴	در مواجهه با یک اثر هنری (از جمله موسیقی ابوالحسن صبا، نقاشی کمال الملک یا فیلم سینمایی عباس کیارستمی و هر چه پسند شما باشد) چه حسی به شما دست می دهد؟		
۴	در کلاس درس بارها گفتیم که ما ایرانیان با بحران معرفت شناسی مواجهیم. چه منظوری از این بحث داشتیم؟		
۴	دو سال است که با یکدیگر درس می خوانیم. چه در کتاب چه در کلاس بارها در مورد سوسیالیسم و مارکسیسم بحث شده است. حاصل این مباحث برای "شما"ی ایرانی چه بود؟		
۴	الف) فلسفه قاره ای چه تفاوتی با فلسفه تحلیلی دارد؟ ب) دانستن فلسفه تحلیلی چه دستاوردی برای ما ایرانیان دارد؟		
۴	دیدگاه های مختلف در فلسفه اخلاق را به طور کامل توضیح دهید. (مبادا فردریش نیچه را فراموش کنید)		
صفحه ۱ از ۱			

جمع بارم : ۲۰ نمره



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۱۲ تهران  
دبیرستان غیر دولتی پسرانه سرای دانش واحدحافظ

کلید سؤالات پایان ترم نوبت دوم سال تمصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

نام درس: فلسفه ۲

نام دبیر: مومن میرزازاده

تاریخ امتحان: ۰۸ / ۰۳ / ۱۴۰۰

ساعت امتحان: ۰۸:۳۰ صبح / عصر

مدت امتحان: ۷۵ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	<p>بستگی به فلسفه هنری دارد که پذیرفته و قبول داریم:</p> <p>افلاطون: اثر هنری باید واجد حقیقت باشد: هنر برای حقیقت... وقتی نقاشی می کشیم باید عین طبیعت باشد.</p> <p>کانت: اثر هنری محض اینکه اثر هنری است مهم است. هنر برای هنر</p> <p>مارکس: هنر برای عمل (پرکتیس) (تغییر)</p> <p>فایده گرایان: هنر برای لذت</p> <p>شوپنهاور: از اثر هنری می توان حقیقت دریافت. حقیقت شخصی. هرکس حسی از نقاشی می گیرد. هرکسی برداشت خودش را دارد. اما باید ببینیم نیت هنرمند از اثرش چه بوده است.</p>	
۲	<p>ما ایرانیان بحران معرفت شناسی داریم. یعنی برای شناخت نه به حس (تجربه) رجوع می کنیم نه به عقل. بدیهیات را منکر می شویم و ناممکنات را ممکن می انگاریم. از این رو دچار توهم توطئه هستیم.</p>	
۳	<p>باید توضیح دهید که آیا به نظرتان برای جامعه ما سودمندند. آیا ممکن است؟ آیا میتوان خوبهائیش را اخذ کرد و بدیهائیش را نگرفت؟ مزایا و معایب آن چیستند؟</p>	
۴	<p>فلسفه در قرن ۲۰:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- قاره ای continental: قاره اروپا غیر از بریتانیا (فرانسه و آلمان) (از رنسانس به بعد)</li> <li>- تحلیلی analytic: (فلسفه انگلوساکسون) جزیره بریتانیا (از تقریباً اوایل قرن ۲۰) مور، راسل، ویتگنشتاین، حلقه وین و .. &lt;&lt;&lt;&lt;&lt;&lt; قاره امریکای شمالی (کانادا و ایالات متحده)</li> <li>• پوزیتیویسم قرابت بسیاری با مبادی فلسفه تحلیل دارد</li> </ul> <p>بعد از رنسانس دو جریان داریم:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- ایده آلیسم: هگل، کانت..... اصالت سوژه (ذهن) idea</li> <li>- رئالیسم: هیوم، مارکس ..... اصالت ابژه (عین) واقع گرا. امر واقع خودش بیانگر خودش است. ما فقط باید آن را کشف کنیم. همه ما هم به یک برداشت و شناخت از آن می رسیم.</li> </ul> <p>فلاسفه تحلیلی رئالیست هستند. در نتیجه، به فلاسفه قاره ای انتقاد دارند که موضوعات مورد بحث قاره ایها انتزاعی است.</p> <p>فلاسفه تحلیلی علاقه بسیاری به ریاضی داشتند. ایشان مبدع منطق نمادین هستند. منطق نمادین کاملاً ریاضی است. منطق نمادین کاملاً از قواعد ریاضی پیروی می کند.</p> <p>ب) با استفاده از فلسفه تحلیلی میتوانیم کلمات و مفاهیم را وضوح بخشیم. استدلالها را ارزیابی کنیم. حد و حدود خود را در بحث روشن کنیم و بفهمیم در چه مواردی میتوانیم صحبت کنیم. یعنی چه حوزه هایی معنادار نیستند و قابلیت صدق و کذب ندارند.</p>	
۵	<p>فلسفه اخلاق</p> <p>به نتیجه مطلوب رسیدن (فایده گرایان)</p> <p>هر کاری که بیشترین سعادت را داشته باشد اخلاقی است: بیشینه کردن سود و لذت</p> <p>اما قضیه به همین جا ختم نمی شود</p> <p>یعنی سعادت باید برای همه جامعه به دست آید اما نه کل جامعه. عمل اخلاقی عملی است که سعادت را به حد اعلی برساند. سعادت = لذت و غیاب درد. اندازه گیری لذت</p>	

عمل کردن به تکلیف (کانت + دینداران)

کانت: در اخلاق کانتی افراد وسیله و ابزار نیستند. (فایده). به انسان به مثابه (چونان) انسان نگریسته شود <<<> انسان غایت است.

تکلیف اخلاقی برخاسته از امر مطلق است: امر اخلاقی ناشی از وظیفه و الزام باید باشد نه چیز دیگر. ناشی از دستور است حتی اگر بر خلاف میل تو باشد.

حواس دنبال میل و منفعت است و کانت آن را مبنای مناسبی برای صدور امر اخلاقی نمی‌داند

پس راه حل چیست: وجدان اخلاقی

اخلاق کانتی اخلاق وظیفه‌گرا است

نزد کانت مبنای الزام مهم است:

برای دینداران: مبنای الزام به عمل اخلاقی = دین

برای فایده‌گرایان (جان استوارت میل، دیوید هیوم، جرمی بنتام: دنبال بیشینه سازی لذت): مبنای الزام به عمل اخلاقی: لذت (نفع و فایده)

حد وسط دو منتها (ارسطو): آئودایمونیا: سعادت + شکوفایی انسان. همه انسانها دنبال آئودایمونیا هستند.

شرایط مادی + نحوه تعلیم و تربیت .....> زمینه رسیدن به آئودایمونیا

برقراری تعادل میان قوای انسان (افلاطون)

نیچه: یکی از اهداف نیچه: به پرسش گرفتن اعتبار اخلاق. طرح سوالات جدید <<< تیشه به ریشه اخلاق می‌زند.

به اصول مسیحیت می‌تازد

عقاید رایج و حتی مقبول در باب اخلاق گمراه کننده است

خیر و شر: نیچه شاعر است و استعاره فراوان بکار می‌برد:

استعاره بره‌ها:

همه آدمیان نجیبند. عوام الناس ایشان را به بدیها متمایل می‌کنند

ressentiment: رنجش: احساس ستمدیدگان که طعم رنج را می‌کشند و حس انتقام و کینه توزی در ایشان ایجاد می‌شود. توان انتقام هم ندارد.

در رساله اول از روانشناسان انگلیسی سود می‌برد

خوب: عمل ناخودخواهانه

بد: عمل خودخواهانه

اخلاق آفریده آدمی است. چنین نپنداریم که اخلاق از ابتدای خلق بشر ثابت است.

وجدان ناآرام: احساس گناهی که ناشی از غریزه ای ناکام و ارضاننده است.

باید غرایزمان را ارضا کنیم. اگر نکنیم به درون بازمی‌گردد.

باید غریزه را تخلیه کرد.

جمع بارم : ۲۰ نمره

نام و نام خانوادگی مصحح : محسن میرزازاده

امضاء: